

## «چهل حدیث» زنان و مادران

۱. پیامبر اکرم (ص): مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ طَاهِرًا مُطَهَّرًا فَلْيَلْقَهُ بِزَوْجَةٍ وَ مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ. 1  
مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ الظَّنَّ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (۱)

هر کس شادمان مشود به اینکه خداوند را در حال پاکی و پاکیزگی [معنوی] ملاقات کند، پس خدای را به همراه زوجهای ملاقات کند، و کسی که ازدواج را به خاطر ترس از خرجی زندگی رها کند، در حقیقت به خدای عز و جل بدگمان شده است. برخورداری از نعمت همسر، میتواند محیط مساعدی را در زندگی انسان، در جهت کسب طهارت معنوی و دوری از انحرافات ایجاد کند. انسانی که برای تأمین سعادت ابدی و حیات جاوید تلاش میکند باید بداند که همسری مناسب، همسفر خوبی برای او خواهد بود. توجه به ملاکهای اصلی و ارزشی در گزینش همسر، میتواند انسان را در دستیابی به همسری مناسب یاری کند، و این نکته‌های است که در روایت بعدی به آن توجه شده است.

۲. امام صادق (ع): إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ جَمَالِهَا لَمْ يَرْزُقْ ذَلِكَ، فَإِنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ جَمَالَهَا وَ مَالَهَا: (۲)  
هنگامی که مرد، زن را به خاطر ثروت یا زیباییاش به ازدواج درآورد به هدفش نخواهد رسید، ولی اگر با او به انگیزه دین و ایمانش ازدواج کرد، خدای عز و جل، هم زیبایی و هم ثروت او را روزنایش، خواهد نمود. انسانی که با انگیزه صحیح، این سنت اسلامی را انجام میدهد، از یک طرف زمینه مناسبی را در جهت رشد معنوی خویش فراهم کرده است، و از جانب دیگر، درهای رزق و فضل الهی را به روی خود گشوده است. و این علاوه بر آنکه مفاد روایات متعددی است، به صراحت مورد تأکید قرآن نیز واقع شده است؛ آنجا که میفرماید: «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ». (۳)

مفاد آیه این است که «زنان و مردان به همسر و نیز بردگان و کنیزانی که شایستگی ازدواج یافته‌اند را همسر دهید، اگر هم تنگدست باشند خداوند از فضل خودش آنان را بنیاز خواهد ساخت. خداوند، هم وسعت دارد و هم مبداند». از سوی دیگر، از ارزشمندترین ساختارهای اجتماعی در اسلام، بنیان خانواده است که اگر بر اساس صحیح و در چارچوب ارزشهای دینی شکل گرفته باشد همان گونه که در روایت بعدی آمده، دوست داشتنترین بنا در پیشگاه خداوند است.

۳. امام باقر (ع):

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا بُنِيَ بِنَاءً فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ التَّزْوِيجِ؛ (۴)

از نظر اسلام، در پیشگاه خداوند تعالی، هیچ بنایی، محبوبتر از ازدواج بنا نشده است.

از اینرو در احادیث چندی، از ترک ازدواج و زندگی مجرد، نکوهش شده است و حتی کسانی که به عمد، راه تنهایی زیستن را پیشه میکنند نفرین شده‌اند. (۵)

۴. پیامبر اکرم (ص):

خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي؛ (۶)

بهترین شما مردی است که با زنان خود خوشرفتارتر باشد و من از همه شما نسبت به همسرانم خوشرفتارترم.

۵. پیامبر اکرم (ص):

مَا زَالَ جِبْرَائِيلُ يُوصِينِي فِي أَمْرِ النِّسَاءِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَحَرِّمُ طَلَاقَهُنَّ؛ (۷)

جبرئیل، همواره به من سفارش زنان را منمود تا آنجا که گمان کردم، خداوند بزودی طلاق دادن آنان را حرام خواهد کرد. آنگاه که همسر برای مرد، در حکم امانتی الهی است، طبیعی است که بهترین مردان در این خصوص کسانی خواهند بود که برای این ودیعه‌های الهی بهتر باشند و پیامبر اکرم (ص) با همه مسؤولیت‌هایی که مقام امامت و رسالت بر دوش او میگذاشت و با وجود تعداد همسرانی که به خاطر مصلحت اسلام اختیار کرده بود و اختلافی که آن همسران از نظر اخلاق و سن داشتند، به گونهای با آنها رفتار نکرد که در سراسر عمر زناشویی حتی یک بار نیز نتوانستند بر پیامبر اکرم (ص) خردهگیری کنند و این خود یکی از امتحانات الهی برای رسول اکرم (ص) بود.

در فرهنگ جاهلی، از آنجا که زن به مثابه مال شخصی مرد پنداشته میشد و مرد برای خود این حق را قایل بود که با همسر خود هر گونه که خواست رفتار کند و او را هر چند به ناحق، مورد اذیت و آزار قرار دهد، در اسلام برای دفاع از حقوق زن عنایت خاصی شده است؛ از جمله به روایت ذیل توجه شود.

۶. پیامبر اکرم (ص): ... فَأَيُّ رَجُلٍ لَطَمَ امْرَأَتَهُ لَطْمَةً، أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مَالِكَ، خَازِنَ النَّيِّرَانِ فَيَلْطِمُهُ عَلَى خُرِّ وَجْهِهِ سَبْعِينَ لَطْمَةً فِي نَارِ جَهَنَّمَ...؛ (۸)

هر مردی که یک سیلی به صورت همسرش بزند، خدای عز و جل به «مالک» که مأمور دوزخ است، دستور میدهد در آتش جهنم، هفتاد سیلی به گونه او بزند.

۷. امام موسی بن جعفر (ع):

عیال الرجل اسراؤه، فَمَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَلْيُوسِّعْ عَلَى أَسْرَائِهِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ أَوْشَكَ أَنْ تَزُولَ تِلْكَ النِّعْمَةُ؛ (۹)  
 خانواده مرد، اسیران او هستند. لذا هر کس که خداوند بر او نعمتی ارزانی داشت، بر اسرای خودش وسعت و گشایش دهد و  
 الا اگر این کار را نکرد، آن نعمت در شرف نابودی قرار خواهد گرفت.  
 مسأله آسان گرفتن زندگی بر همسر و فرزند را در روایات متعددی میخوانیم. اینکه در اینجا همسر و فرزندان، همانند اسیران  
 شمرده شدهاند از این جهت است که آنان راه به جایی ندارند و چشم نیاز و دیده انتظار به دست مرد گشودهاند. از سوی  
 دیگر، یک اسیر، تنها نیاز به امور مادی ندارد. برخورد مناسب و اظهار عطف، بهترین هدیه برای او است. لذا در روایت دیگری،  
 همین امر به صورت کلی آمده است که در پیشگاه خداوند، محبوبترین بندگان، آناند که رفتارشان با خانوادهشان که اسیران  
 آناند بهتر باشد. (۱۰)  
 روایات بعدی نیز در همین زمینه است.

۸. پیامبر اکرم(ص):

جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا؛ (۱۱)  
 در پیشگاه خداوند تعالی، نشستن مرد در کنار همسر خود، از اعتکاف در این مسجد من، محبوبتر است.  
 ارزش اعتکاف و ثواب ماندن در مسجد پیامبر(ص) چیزی است که هر مسلمانی آرزوی دستیابی به آن را دارد. اگر به فضیلتی  
 که اعتکاف در مسجد آن حضرت(ص) دارد توجه شود، آن وقت به ارزش بالای انس و الفت و نشستن مرد در کنار همسر خود،  
 بیشتر پی خواهیم برد. این نیاز طبیعی زن است که همسرش، ساعاتی را در کنار او باشد، با او همصحبت شود، به سخن او  
 گوش کند، و کارهای روزمره، او را از این مهم باز ندارد. خود مرد نیز چنین نیازی را دارد. و این عنایت و اهتمام بالای اسلام به  
 تحکیم مناسبات زن و شوهر و تقویت روابط عاطفی آنان را مبرساند که حضور در خانه و نشستن در کنار همسر را در پیشگاه  
 خداوند از اعتکاف در مسجدالنبی(ص) دوستداشتنیتر به شمار مآورد. و این چنین است که در سخن دیگری از پیامبر بزرگوار  
 اسلام(ص) آمده است «مردی که لقمه در دهان همسر خود میگذارد دارای اجر و ثواب است.» (۱۲)  
 و یا گفته حضرت(ص) که خدمت به خانواده را تنها کار انسان «صَدِيقٌ» یا «شَهِيدٌ» یا مردی که خداوند خواسته است خیر دنیا و  
 آخرت را به او برساند می شمارد:  
 لَا يَخْدُمُ الْعِيَالَ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۱۳)

۹. پیامبر اکرم(ص):

مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى ثُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لَيَبْدَأُ بِالْإِنَانِ قَبْلَ الذُّكُورِ؛ (۱۴)  
 مردی که داخل بازار شود و تحفه‌های بخرد و آن را برای خانواده‌هایش ببرد، ثوابش برابر کسی است که صدقه‌های را به قومی  
 نیازمند برساند. و (هنگام خرید یا تقسیم) نخست از دختران شروع کند.  
 عنایت خاصی که در اینجا حتی در هدیه دادن به دختران شده حاکی از اوج توجه و احترامی است که اسلام برای آنان قایل  
 است، و از طرف دیگر، نشاندهنده زمینه بیشتری است که فرزندان دختر در جلب عطف و مهربانی دارند.  
 برای تقویت رشتنهای زندگی مشترک زن و مرد و ایجاد حس اعتماد به نفس در زن و دلگرمی بیشتر به زندگی، توجه خاصی  
 نیز به روابط عاطفی میان آن دو شده است. حدیث بعدی مؤید این معناست.

۱۰. پیامبر اکرم(ص):

قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ «إِنِّي أُحِبُّكَ» لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا؛ (۱۵)  
 این گفته مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم» هیچگاه از قلب زن بیرون نمیرود.

۱۱. امام باقر(ع):

لَا يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَعَطَّلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ أَنَّ تَعَلَّقَ فِي عُنُقِهَا فَلَادَةٌ وَ لَا يَتَّبِعِي أَنْ تَدَعَ يَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَ لَوْ أَنَّ تَمَسَّحَهَا مَسْحًا  
 بِالْحَنَاءِ وَ إِنَّ كَانَ مُسِنَّةً؛ (۱۶)  
 برای زن (در رسیدگی به وضع ظاهر خود) سزاوار نیست که به خود و سر و وضعش نرسد هر چند به اینکه گردنبندی را به خود  
 بیاویزد، و سزاوار نیست که دستش را برنگ رها کند هر چند به اینکه مختصر حنایی بگذارد؛ گرچه سالخورده باشد.  
 بشک موضوع یاد شده، یک نیاز طبیعی برای زن و مرد است و در این روایات، همان گونه که به مسأله هزینه و ایجاد گشایش  
 در زندگی و نیز اظهار محبت علنی توجه شده است بر این نیاز طبیعی نیز که در روابط زن و شوهر نقش خاصی دارد تأکید شده  
 است. همین امر پسندیده در صورتی که خارج از حدود خانه و برای بیگانه انجام شود حرام است و آثار سوء خود را در جامعه و  
 بویژه در محیط خانواده و روابط زن و شوهر خواهد داشت. این امر پسندیده، عیناً برای مردان نیز سفارش شده و علت آن نیز  
 روشن است. البته نکته دیگری که در همین زمینه باید مورد توجه قرار گیرد موضوع لزوم تمایز میان زن و مرد در وضع ظاهری و  
 لباس و امثال آن است. و این همان نکته‌های است که در سخن فاطمه دختر امیرالمؤمنین علی(ع) به روایت عروة بنعبدالله آمده  
 است. او میگوید: وارد بر فاطمه دختر علی بنابطالع(ع) شدم در حالی که پیرزنی سالخورده شده بود و گردنبندی در گردنش  
 بود و دو رنگ در دستش. لذا گفت: برای زنان ناخوشایند و مکروه است که خود را شبیه مردان سازند. (۱۷)

۱۲. حسن بنجهم:

رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) اخْتَضَبَ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! اخْتَضَبْتَ؟!  
 فقال: نعم، إنَّ التَّهَيُّةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عَقَّةِ النِّسَاءِ، وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِقَّةَ يَتَرَكْنَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهَيَّةَ. ثُمَّ قَالَ: أَيْسُرُكَ أَنْ تَرَاهَا عَلَى  
 مَا تَرَكَ عَلَيْهَا إِذَا كُنْتَ عَلَى غَيْرِ تَهَيَّةٍ؟

قُلْتُ: لا.

قال: فَهَوَ ذَاكَ. ثُمَّ قَالَ: مِنْ أَحْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ، التَّنَطُّفُ وَالتَّطَيُّبُ وَحَلْقُ الشَّعْرِ وَكَثْرَةُ الطَّرِيقَةِ؛ (١٨)  
حضرت امام رضا(ع) (١٩) را دیدم که موهای خود را رنگ کرده است. عرض کردم: فدایت شوم! خضاب گذاشته‌ای؟!

فرمود: بله، چرا که آراستن خود از جمله چیزهایی است که موجب افزایش پاکدامنی زنان می‌گردد؛ و زنان، عفت و پاکدامنی را به این علت رها کردند که شوهرانشان آراستن خویش را ترک نمودند. سپس فرمود: آیا تو خوش داری که همسرت را به همان شکلی ببینی که تو را در حال زولیدگی و عدم رسیدگی به سر و وضع می‌بیند؟

عرض کردم: نه.

فرمود: پس این، همان است. سپس فرمود: نظافت و استعمال بوی خوش و اصلاح سر و آمیزش زیاد از اخلاق انبیاست.»

۱۳. پیامبر اکرم(ص)

... فَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقٌّ وَ لِهِنَّ عَلَيْكُمْ حَقٌّ، وَ مِنْ حَقِّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئُوا فَرْشَكُمْ وَ لَا يَعْصِيَنَّكُمْ فِي مَعْرُوفٍ. فَإِذَا فَعَلْنَ ذَلِكَ فَلَهُنَّ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا تَضْرِبُوهُنَّ؛ (٢٠)

... برای شما مردان، بر زنان حقی است و برای آنان نیز بر شما حقی. و از جمله حقوق شما بر آنان، این است که رابطه نامشروع با بیگانه برقرار نکنند و در موارد لزوم اطاعت، از شما سرپیچی نکنند. پس آنگاه که این حقوق را ادا کردند، حق خرجی و لباس در حد متعارف و معمول را دارا هستند و (نیز از جمله حقوق اینک) آنان را زنید. روشن است که زن و مرد، هر یک در روابط زناشویی و زندگی مشترک دارای حقوقی هستند و در حدیث فوق به قسمتی از آن اشاره شده است و این گونه نیست که یک طرف، همیشه خود را طلبکار و دیگری را بدهکار بداند؛ بلکه روابط بر اساس حقوق متقابل است و تنها با این احساس است که جو مساعدی برای تحقق صفا و صمیمیت و همکاری به وجود خواهد آمد.

۱۴. امام صادق(ع):

قال رسول الله(ص): مَنْ أَطَاعَ إِمْرَأَتَهُ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ.

فیل: وَ مَا تَلَكِ الطَّاعَةُ؟

قال: تَطَلُّبُ إِلَيْهِ (مِنْهُ - كَافِي) الذَّهَابَ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَ الْعُرْسَاتِ وَ الْعِيدَاتِ وَ النَّائِحَاتِ (النَّبَاحَاتِ - كَافِي) وَ الثِّيَابَ الرِّفَاقَ فَيَجِيئُهَا؛ (٢١)

کسی که از زینش اطاعت نماید، خداوند او را به صورت، در آتش اندازد.  
گفته شد: آن طاعت چیست؟

فرمود: اینکه زن خواهان رفتن به حمامهای عمومی و عروسیها و مراسم عید و جشنها و سوگواریها و یا پوشیدن لباسهای نازک و بدنما باشد و او نیز میپذیرد.»

مدیریت زندگی توسط مرد و مسؤولیتهای ناشی از آن، از نقطه نظر شرعی، این حق را به او می‌دهد که محدودیتهایی را در خصوص خروج همسر خویش از خانه ایجاد کند و همسرش موظف باشد بدون موافقت قبلی او اقدام به خروج از خانه نکند. البته روشن است که این حق، به گونهای مطلق و خودخواهانه نیست.

برخی اجتماعات، زمینه مساعدتری برای فساد و گناه فراهم مینماید و این امر در گذشته نسبت به برخی مکانها همچون حمامها و مجالس ختم زنانه شدت بیشتری داشته است. مرد علاوه بر اینکه خود باید نسبت به آلوده شدن و گرفتار آمدن در ورطه گناه، فردی خویشتندار باشد، در خصوص خانواده بویژه همسر خود نیز مسؤولیت دارد. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ». (٢٢)

مرد به عنوان کسی که پسر زندگی را بر دوش میکشد و مسؤولیت اصلی بر عهده او میباشد نباید به گونهای رفتار کند که تدبیر و مدیریت زندگی اساساً از دست او خارج شود و در زندگی تبدیل به فردی بیاختیار و بدون اراده گردد. او نمیتواند و نباید از مسؤولیت و وظیفه دشواری که در زندگی مشترک بر عهده دارد شانه خالی کند. لذا در سخنی از امیرالمؤمنین(ع) آن مردی که تدبیر کار خویش را به زنی واگذار کرده مورد لعن قرار گرفته است. (٢٣)

۱۵. امام صادق(ع):

إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلِيَ عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ(ص) حَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ وَ عَهَدَ إِلَى إِمْرَأَتِهِ عَهْدًا أَلَّا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ. قَالَ: وَ إِنْ أَبَاهَا مَرِيضٌ فَبِعَثَّتِ الْمَرْأَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ(ص) فَقَالَتْ: إِنَّ زَوْجِي حَرَجَ وَ عَهْدَ إِلَيَّ أَنْ لَا أَخْرُجَ مِنْ بَيْتِي حَتَّى يَقْدَمَ وَ إِنْ أَبِي مَرِيضٌ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَعُودَهُ؟

فَقَالَ: لَا، إِنْ جَلَسِي فِي بَيْتِي وَ أَطِيعِي زَوْجِي.  
قال: فَمَاتَ فَبِعَثَّتْ إِلَيْهِ، فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنْ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَصَلِّيَ عَلَيْهِ؟  
فَقَالَ: لَا، إِنْ جَلَسِي فِي بَيْتِي وَ أَطِيعِي زَوْجِي. قال: فَذَفِنَ الرَّجُلُ فَبِعَثَّتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ(ص): إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ عَفَرَكَ وَ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِي؛ (٢٤)

مردی از انصار در زمان رسول خدا(ص) به خاطر کاری، به مسافرت رفت و به همسرش سفارش کرد که از خانه خارج نشود تا او برگردد. پدر این زن مریض شد، لذا زن خدمت رسول خدا(ص) پیغام فرستاد که شوهرم به مسافرت رفته و به من سفارش کرده است تا موقع برگشتش، از خانها خارج نگردم ولی پدرم مریض است؛ اجازه مدهید که او را عیادت کنم؟  
پیامبر(ص) جواب فرستاد: نه، در خانها بنشین و مطیع همسرت باش.

تا اینکه پدرش مرد؛ دوباره پیغام فرستاد: ای رسول خدا! پدرم مرده است، آیا دستور می فرمایید که بر او نماز بخوانم؟ حضرت (ص) جواب فرستاد: نه، در خانها بنشین و مطیع شوهرت باش. پس از آن، پدرش به خاک سپرده شد. (این بار) پیامبر اکرم (ص) برای زن پیغام فرستاد که خداوند عز و جل تو را و پدرت را به علت اطاعت تو از همسر، مشمول مغفرت قرار داد.

۱۶. پیامبر اکرم (ص):  
ما اسْتَفَادَ امْرَأَةٌ مُسْلِمَةً فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ تُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَ تَحْفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فَي تَقْسِيهَا وَ مَالِهِ؛ (۲۵)  
مرد مسلمان بعد از اسلام، بهره‌ای برتر از همسری مسلمان نبرده است. همسری که وقتی به او می نگرد مایه مسرت او است، و آنگاه که به او دستوری می دهد اطاعت می کند، و در غیاب شوهر، حافظ ناموس خود و اموال شوهر است.

۱۷. اسحاق بن عمار:  
قُلْتُ لِابْنِ عَبْدِ اللَّهِ (ع): مَا حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا الَّذِي إِذَا فَعَلَهُ كَانَ مُحْسِنًا؟  
قَالَ: يُشْبِعُهَا وَ يَكْسُوها وَ إِن جَهِلَتْ غَفَرَ لَهَا.  
وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع): كَانَتْ امْرَأَةٌ عِنْدَ أَبِي (ع) تُؤْذِيهِ فَيَغْفِرُ لَهَا؛ (۲۶)  
به امام صادق (ع) عرض کردم: حق زن بر شوهرش چیست، که اگر آن را انجام دهد انسان نیکوکاری خواهد بود؟ فرمود: خوراک و پوشاک او را تأمین کند و اگر از سر جهل مرتکب خطایی شد از او در گذرد. باز فرمود: پدرم زنی داشت که او را اذیت می کرد، ولی پدرم او را میبخشید.

۱۸. امام صادق (ع):  
أَيُّ امْرَأَةٍ قَالَتْ لِزَوْجِهَا: مَا رَأَيْتُ قَطُّ مِنْ وَجْهِكَ خَيْرًا فَقَدْ حَيْطَ عَمَلُهَا؛ (۲۷)  
هر زنی که همسرش بگوید: «من از روی تو خیری ندیدم» عملش ضایع و حبط خواهد شد.  
در ضمن چند روایت گذشته، به برخی از حقوق متقابل زن و شوهر اشاره شد؛ از جمله خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر، حفظ آبرو و اموال شوهر در غیاب او، تأمین خوراک و پوشاک و قهراً مسکن زن، چشمپوشی از اشتباهات او و بالأخره در روایت فوق به این نکته توجه داده شده است که زن نباید زحمات شوهرش را در نیکی به او و برآوردن نیازهای او نادیده بگیرد و با گفتن جملاتی دلسرد کننده که حاکی از عدم قدردانی از زحمات شوهر است، موجب سردی روابط میان خود و همسرش شود که چه بسا پیامدهای ناگواری را به دنبال دارد.  
چند روایت بعدی، گویای برخی از صفات زنان شایسته است.

۱۹. امام رضا (ع) از امیرالمؤمنین (ع):  
خَيْرُ نِسَائِكُمْ، الْخَمْسُ.  
قِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! وَمَا الْخَمْسُ؟  
قَالَ: الْهَيْبَةُ، اللَّيْنَةُ، الْمُوَاتِيَةُ، الَّتِي إِذَا غَضِبَ زَوْجُهَا لَمْ تَكْتَجِلْ بِعَمَضِي حَتَّى يَرْضَى، وَ إِذَا غَابَ عَنْهَا زَوْجُهَا حَفِظْتَهُ فِي غَيْبَتِهِ، فَيَلِكَ عَامِلٌ مِنْ عَمَالِ اللَّهِ وَ عَامِلٌ اللَّهُ لَا يَخِيبُ؛ (۲۸)  
بهترین زنان شما دارای پنج صفت هستند.  
گفته شد: ای امیر مؤمنان! آن پنج صفت کدام است؟  
فرمود: سبکبار و کمصداق، نرمخو و خوشرفتار، مطیع و موافق، آنگاه که همسرش خشم گیرد، خواب به چشمش نرود تا از او راضی گردد. و در غیاب شوهرش حافظ او باشد.  
چنین زنی، کارگزاری از کارگزاران خداوند است و کارگزار خداوند نیز دچار ناکامی و خسران نخواهد شد.

۲۰. پیامبر اکرم (ص):  
أَيُّ امْرَأَةٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِيسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صِرْفًا وَ لَا عَدْلًا وَ لَا حَسَنَةً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَ إِن صَامَتْ نَهَارَهَا وَ قَامَتْ لَيْلَهَا؛ (۲۹)  
هر زنی که شوهرش را با زبان بیازارد، خداوند، هیچ توبه و کفارهای را از او نمی پذیرد و هیچ کار نیکش را قبول نمی کند تا وقتی که شوهرش را راضی کند، گرچه زن، روز خود را روزه بدارد و شب را به عبادت گذراند.  
روشن است که برای پذیرش توبه و قبولی اعمال نیک، زمینه‌هایی لازم است و موانع زیادی وجود دارد که از جمله آنها عدم رضایت شوهر است. البته اگر زن به وظیفه خویش عمل کرده است و با این حال، مرد به هر دلیلی و نوعاً به خاطر منافع شخصی خویش، اظهار عدم رضایت از همسر خود بکند او مسؤولیتی ندارد، ولی اگر زن با کلمات خود، موجب آزار و ناراحتی همسرش شده است و در عین حال حاضر به کسب رضایت او نیست، طبیعی است که اعمال نیک او نیز بر جای بماند. روایت بعدی نیز ناظر به همین نکته است.

۲۱. پیامبر اکرم (ص):  
خَيْرُ نِسَائِكُمْ، الَّتِي إِذَا غَضِبَتْ أَوْ غَضِبَ تَقُولُ لِزَوْجِهَا: يَدِي فِي يَدِكَ، لَا أَكْتَجِلُ عَيْنِي بِعَمَضِي حَتَّى تَرْضَى عَيْنِي؛ (۳۰)  
بهترین زنان شما، زنی است که وقتی خشمگین گردد و یا همسرش بر او خشم گیرد، به شوهرش بگوید:  
دستم را در دست تو می گذارم و خواب را به چشمم راه نمی دهم تا وقتی که از من راضی شوی.  
این بسیار مهم است که اگر کدورت و عصبانیتی نیز پیش آمد، هر یک سعی نکند به دیگری نشان دهد که به او نیازی ندارد بلکه

سعی در جبران کوتاهی و تقصیر خود کند و طرف مقابل نیز آن را به عنوان نقطه ضعف دیگری تلقی نکند، بلکه حمل بر روحیه گذشت و عدم لجابت و گرمی بخشیدن دوباره به زندگی مشترک که هر دو از آن بهره‌مند می‌شوند نماید.

۲۲. علی(ع):  
جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ (۳۱)

جهاد زن، خوب شوهرداری کردن است.

یک زن آگاه و وظیفه‌شناس، اگر بتواند درون خانه خود، محیط مساعدی را برای رشد و کمال خود و شوهر و بویژه فرزندان خویش فراهم کند تأثیر مثبت و بسیار مؤثر آن در اصلاح جامعه و اخلاق و تربیت آحاد آن، بر کسی پوشیده نیست. در حقیقت، زن، شرکت مستقیم در فعال نمودن سایر نیروهای سازنده جامعه دارد و نقش عمده‌ای را در گرمی بخشیدن به مجاهدان در میدان نبرد ایفا می‌کند. از سوی دیگر، حدیث فوق که تفصیل آن را در روایت بعدی خواهیم خواند، گویای اهمیت وظیفه خانهداری است چرا که آن را به مثابه جهاد میدانند.

۲۳. اسماء بنت یزید که از زنان انصار بود به محضر پیامبر(ص) که میان اصحابش بود، رسید و عرض کرد:

پدر و مادرم فدایت! من فرستاده زنان به سوی شما هستم. جانم فدای شما! بدان که هیچ زنی در شرق و غرب نیست که جریان آمدن مرا به حضور شما بشنود مگر اینکه همعقیده من است. پرسش من این است که خداوند تو را بحق، به سوی مردان و زنان فرستاد و ما به تو و به پروردگارت که تو را فرستاد ایمان آوردیم و ما گروه زنان محصور و محدود، نشسته در خانه و وسیله برآوردن خواسته‌های شما هستیم، و بار فرزندانمان را بر دوش می‌کشیم و شما جماعت مردان، با شرکت در نماز جمعه و جماعت و عیادت بیماران و حضور در تشییع‌کننده‌ها و انجام دادن مداوم مراسم حج و از همه برتر، با امکان حضور در جهاد در راه خدا، بر ما برتری داده شده‌اید. از طرف دیگر، وقتی کسی از شماها به سفر حج یا عمره مرود و یا برای حفظ مرزها خارج میشود، اموالتان را برایتان نگهداری میکنیم و لباسهایتان را مباحثیم و اولادتان را تربیت میکنیم. پس ای رسول خدا! از نظر اجر و پاداش چه مشارکتی با شما داریم؟

پیامبر اکرم(ص) چهره خویش را به طرف اصحابش نمود و فرمود:

هَلْ سَمِعْتُمْ مَقَالَهَ فِطْ أَحْسَنِ مِنْ مُسَاءَلَتِهَا مِنْ أَمْرِ دِينِهَا مِنْ هَذِهِ؟  
فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا ظَنُّنَا أَنْ أَمْرًا تَهْتَدِي إِلَيْهِ مِثْلَ هَذَا!

فَالْتَقَتِ النَّبِيُّ(ص) إِلَيْهَا ثُمَّ قَالَ لَهَا: إِنِّصْرَفِي أَبْتِهَآ الْمَرْأَةُ وَ أَعْلِمِي مَنْ خَلَقَكَ مِنَ النِّسَاءِ أَنَّ حُسْنَ تَبَعْلِ إِخْدَاكُنَّ لِرَوْحِهَا وَ طَلَبِهَا مَرْضَاتِهِ وَ اتِّبَاعِهَا مُوَافَقَتَهُ بَعْدُ ذَلِكَ كُلُّهُ. فَأَذْبَرَتِ الْمَرْأَةُ وَ هِيَ تُهَلِّلُ وَ تُكَيِّرُ اسْتِثْشَارًا؛ (۳۲)

آیا تاکنون گفتاری بهتر از پرسش این بانو که در باره امر دینش پرسید، شنیده‌اید؟

عرض کردند: ای رسول خدا! ما گمان نمیکردیم زنی به چنین چیزی دست یابد!

آنگاه پیامبر(ص) رو به طرف آن زن گرداند و به او فرمود:

ای زن! برگرد و به سایر زنانی که از سوی آنان آمده‌ای اعلام کن که خوشرفتاری یکی از شماها با شوهر و جویای رضایت او شدن و دنبال کردن موافقت او، با همه آن فضایل و اعمال مردان برابری میکند.

آن زن برگشت در حالی که از خوشحالی و بشارت یافتن، تهلیل و تکبیر بر زبان داشت.

مرحوم علامه طباطبایی از این حدیث، نکات چندی را استفاده کرده است که به اختصار به آنها اشاره میشود:

(۱) از امثال این قضایا روشن میشود که زنان با اینکه بیشتر به امور داخلی منزل مشغولند، اما از نظر مراجعه به ولی امر و کوشش در جهت حل پاره‌های مشکلات خویش منعی نداشته‌اند.

(۲) آنچه بیشتر در زندگی زن، مورد پسند اسلام است این است که وظیفه مهم خانهداری را فراموش نکند، و این توصیه پیامبر(ص) گرچه واجب نبود لکن در یک محیط سالم و مذهبی، همین دستور استجابی حافظ این خواسته اسلامی بود.

(۳) زنان با اینکه از فضیلت امثال جهاد، به عللی که روشن است محرومند اما اسلام این محرومیتها را با مزایا و ارزشهای دیگری که بسی افتخارآمیز است جبران کرده است. (۳۳)

حدیث بعدی میتواند تفسیری بر این وظیفه باشد.

۲۴. پیامبر اکرم(ص):

إِنَّ مِنْ خَيْرِ نِسَائِكُمْ؛ الْوَلُودَ، السَّتِيرَةَ، الْعَفِيفَةَ، الْعَزِيزَةَ فِي أَهْلِهَا، الذَّلِيلَةَ مَعَ بَعْلِهَا، الْجِصَانَ مَعَ غَيْرِهِ، الَّتِي تَسْمَعُ لَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَلْتِ مَا أَرَادَ مِنْهَا؛ (۳۴)

همانا از بهترین زنان شما زنی است که زیاد بچه‌دار شود، شوهردوست و محجوب و پاکدامن باشد، در میان خویشانش عزیز باشد ولی با شوهرش رام و تسلیم باشد، خودش را از بیگانه محفوظ بدارد، نسبت به همسرش حرفش‌نوی و اطاعت داشته باشد، و در خلوت شوهر، از انجام خواسته او مضایقه نکند.

۲۶. امام صادق(ع):

لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ خَطْرٌ، لَا لِصَالِحَتِهِنَّ وَ لَا لِطَالِحَتِهِنَّ؛ أَمَّا صَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ خَطَرُهَا الدَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ. وَ أَمَّا طَالِحَتُهُنَّ فَلَيْسَ الثَّرَابُ خَطَرَهَا، الثَّرَابُ خَيْرٌ مِنْهَا؛ (۳۵)

برای زن، ارزش و معادلی نیست؛ نه برای صالح آنان و نه برای ناصالح آنان. اما خوب آنان در مقابل ارزشش، طلا و نقره برابری نمیکند چرا که بهتر از طلا و نقره است، و اما ناصالح آنها، خاک نیز قیمت و بهای او نیست، چرا که خاک بهتر از او است.

این حدیث شریف متواند بعنوان جمعبندی احادیث این قسمت باشد و نشاندهنده این است که ارزش انسانی زن، امری معنوی است که با ملاکهای مادی نمیتوان ارزشیابی نمود و طبیعی است نوعاً هر عنصری که بیشتر متواند در جامعه نقش مثبت و ارزشمند داشته باشد، نقش تخریبی زیادتری نیز متواند دارا باشد.

۲۷. امام صادق(ع) به نقل از پیامبر اکرم(ص):

وَمَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَةٍ سَيَتَبَّخَّرَ فِي ذَلِكَ الْأَجْرِ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ؛ (۳۶)

مردی که بر اخلاق همسری بد اخلاق صبر کند و آن را تحمل نماید و آن را به حساب اجر الهی بگذارد، خداوند پاداش شکرگزاران را به او خواهد داد.

پستی و بلندیهای زندگی و روابط مشترک زن و شوهر، نیاز مبرمی به اصل «مدارا و تفاهم» دارد. مرد که عهدهدار مدیریت زندگی مشترک است شدیداً به این اصل نیازمند است، و این بستگی به سعه صدر و روح گذشت و فداکاری او دارد. البته برای ایجاد خُسن تفاهم، نیاز به عناصر چندی است که در ضمن روایات این بخش، به آنها پرداخته خواهد شد؛ بعضی مربوط به مرد و قسمتی نیز مرتبط به زن و پاره‌های نیز مشترک میان آن دو است.

۲۸. امام صادق(ع):

رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْسَنَ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ زَوْجَتِهِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ قَدْ مَلَكَهُ نَاصِيَتَهَا وَ جَعَلَهُ الْقِيَمَ عَلَيْهَا؛ (۳۷)

خدا رحمت کند مردی را که میان خود و همسرش را اصلاح نماید، زیرا خداوند اختیارش را در دست او گذاشته و او را قیّم و سرپرست زن نموده است.

این روایت، اشاره است به آیه شریفه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ يَمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (۳۸) که اجمالاً نوعی قیومیت را برای مردان در فضای روابط همسری و خانوادگی قرار داده است. اینکه چارچوب و خاستگاه این سرپرستی چیست، و مشخصاً در چه مسائلی مصداق مییابد، موضوعی است که در تفسیر و مباحث فقهی باید پی گرفت.

۲۹. امام صادق(ع) از پدر بزرگوارش امام باقر(ع):

تَقَاضَى عَلَيَّ وَ فَاطِمَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِخِدْمَةِ مَا دُونَ الْبَابِ وَ قَضَى عَلَيَّ بِمَا خَلَقَهُ. قَالَ: فَقَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَلْعَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِأَكْفَانِي رَسُولَ اللَّهِ تَحْمَلُ رِقَابَ الرِّجَالِ؛ (۳۹)

علی و فاطمه در مورد کارهای خانه از رسول خدا(ص) تقاضای دستورالعمل کردند. حضرت(ص) کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه گذاشت و کار بیرون را بر عهده علی.

پس از آن فاطمه فرمود: خدا مبداند چقدر از اینکه رسول خدا بار دوش مردان را از من گرداند خوشحال شدم. حضرت فاطمه(س) این را مایه خوشحالی خود مبداند که مسؤولیت مواجهشدن و همصحبتشدن با مردان بیگانه در خارج از خانه را بر عهده ندارد. احتمالات دیگری نیز در این جمله داده شده است؛ از جمله اینکه مسرتخاطر او به این علت است که رسول خدا(ص) او را در قبول مسؤولیت همسان و همانند مردان قرار داده است و کارهای داخل را به او واگذار نموده است.

۳۰. علی(ع) خطاب به فرزندش امام حسن(ع):

... وَ لَا تَمْلِكِ الْمَرْأَةُ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا؛ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ وَ لَا تَعُدُّ بِكَرَامَتِهَا نَفْسَهَا وَ لَا تُطْمِعُهَا فِي أَنْ تَشْفَعَ لِعَبْرَهَا؛ (۴۰)

زن را در آنچه مربوط به او نیست صاحب اختیار مگردان، زیرا زن چون گیاهی خوشبو است، و نه کارفرما و مسؤول خرج و خرید، و در گرامی داشتن او از آنچه مربوط به او است تجاوز مکن و او را به طمع نینداز که شفاعت دیگری کند. زن درخت ستبری نیست که آسیبپذیر نباشد. باید جایگاه واقعی او را در زندگی شناخت چرا که افراط و تفریط نسبت به او، آفاتی را به دنبال دارد. او بیش از هر چیز نیاز به مهربانی و عطوفت دارد، حتی بسیاری مواقع، رفتار عطفوامیز در او بیشتر تأثیر دارد تا استدلال، چه رسد به خشونت!

۳۱. امام صادق(ع):

الْإِمْرَأَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ رَجُلٍ غَيْرِ صَالِحٍ وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمْتَ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَعْلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَ فَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، تَدْخُلُ مِنْ أَيُّهَا شَاءَتْ؛ (۴۱)

زن شایسته از هزار مرد ناشایست بهتر است؛ و هر زنی که هفت روز به شوهرش خدمت کند، خداوند درهای هفتگانه آتش را به روی او میندود و هشت در بهشت را برای او میگشاید و او از هر دری که بخواهد، وارد میشود.

۳۲. امام صادق(ع):

خَيْرٌ نِسَائِكُمْ، الطَّيِّبَةُ الرَّيْحِ، الطَّيِّبَةُ الطَّبِيخِ، الَّتِي إِذَا أَنْفَقْتَ أَنْفَقْتَ بِمَعْرُوفٍ وَ إِذَا أَمْسَكْتَ أَمْسَكْتَ بِمَعْرُوفٍ. فَيَلْكَ عَامِلٌ مِنْ عُمَّالِ اللَّهِ وَ عَامِلٌ اللَّهُ لَا يَجِبُ وَ لَا يَنْدَمُ؛ (۴۲)

بهترین زنان شما، زن خوشبو و با دستپخت خوب است آن زنی که اگر انفاق (خرج) کند به نیکی انفاق (خرج) کند و اگر انفاق (خرج) نکند نیز به نیکی نکند. پس این زن عاملی از کارگزاران خداوند است و کارگزار خدا نه ناکام و نا امید میشود و نه پشیمان.

۳۳. امام صادق(ع):

مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرِبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ، صِيَامَ نَهَارِهَا وَ قِيَامَ لَيْلِهَا وَ يَتْنِي اللَّهُ لَهَا يَكُلُّ شَرِبَتَهَا تَسْقِي زَوْجَهَا مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ وَ عَقَرَهَا سَبْتِينَ حَطِيئَةً؛ (۴۳)

هیچ زنی نیست که جرعه‌های آب به همسرش بدهد مگر اینکه این کار برای او از عبادت یک سال که روزهایش روزه باشد و شبهایش به عبادت بایستد بهتر است، و خداوند به پاداش هر جرعه آبی که به همسرش مدهد، برای او در بهشت شهری مسازد و شصت خطا از خطاهای او را میبخشد.

اگر زن به خدمات و کارهایی که داخل منزل برای شوهر و فرزندانش میکند با این بینش بنگرد که به واسطه آنها میتواند کسب رضای خدای متعال نماید و خانه، زمینهای است برای اظهار بندگی و عبودیت بیشتر، و از جانب دیگر، شوهر نیز به واقع این را بپذیرد که نوع زحمانی که همسرش در خانه متحمل میشود مسؤلیتی الزامی برای او نیست، قدم بسیار بزرگی در راه حسنتفاهم برداشته شده است. در جهت تأکید بیشتر بر این عنصر اساسی، به حدیث دیگری در همین زمینه توجه شود.

۳۴. امام صادق(ع):

سَأَلْتُ أُمِّسَلَمَةَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) عَنِ فَضْلِ النِّسَاءِ فِي خِدْمَةِ أَزْوَاجِهِنَّ فَقَالَ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ يُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا إِلَّا تَطَرَّ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ تَطَرَّ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يَعْدِبْهُ.

فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: زِدْنِي فِي النِّسَاءِ الْمَسَاكِينِ مِنَ الثَّوَابِ يَا أُمَّي.

فَقَالَ (ص): يَا أُمِّسَلَمَةُ! إِنْ الْمَرْأَةُ إِذَا حَمَلَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ كَمَنْ جَاهَدَ بِنَفْسِهِ وَمَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَإِذَا وَضَعَتْ قَيْلَ لَهَا: قَدْ غُفِرَ لَكَ ذَنْبُكَ فَاسْتَأْنِفِي الْعَمَلَ. فَإِذَا أَرْضَعَتْ فَلَهَا بِكُلِّ رَضْعَةٍ تَخْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ؛

امسلمه در باره ارزش زنان در خدمتگزاری به همسرانشان از پیامبر(ص) پرسید؛ حضرت(ص) فرمود:

هر زنی که در خانه شوهرش، چیزی را با هدف خیر و صلاح، از جایی برداشته به جای دیگر بگذارد، خداوند به او توجه و نظر میکند، و هر کس که خداوند به او توجه کند عذابش نخواهد کرد.

امسلمه گفت: پدر و مادرم فدایت! در باره ثواب و پاداش زنان بیچاره، بیشتر برایم بازگو کن.

حضرت(ص) فرمود: ای امسلمه! همانا زن هنگامی که باردار میشود اجری همانند اجر کسی که با جان و مالش در راه خدای عز و جل جهاد کرده است خواهد داشت. و آنگاه که وضع حمل کرد، به او گفته میشود: گناهت بخشیده شد، پس عمل را از سر گیر. و آنگاه که شیر مدهد، در مقابل هر بار شیر دادن، پاداش آزاد نمودن یک بنده از فرزندان اسماعیل را خواهد داشت.

۳۵. پیامبر اکرم(ص):

أَلَا وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ لَمْتَرَفَقَ بِزَوْجِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَفْقِدُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يَطْبِقُ لِمُنْتَقِلٍ مِنْهَا حَسَنَةً وَ تَلَقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضَبٌ؛ (۴۵) آگاه باشید هر زنی که با شوهر خود مدارا نکند و او را به چیزی وا دارد که قدرت و توان آن را ندارد، هیچ کار نیکی از او قبول نخواهد شد و در حالی خدا را ملاقات خواهد کرد که خداوند بر او خشمناک است.

در نظر گرفتن موقعیت شوهر و وضعیت درآمد او و نیازهای ضروری زندگی توسط زن، نقش مفیدی در ایجاد تفاهم میان آن دو خواهد داشت. نمونه بعدی را از زندگی صمیمانه و افتخارآمیز امیرالمؤمنین علی(ع) و فاطمه زهرا (ع) میخوانیم.

۳۶. امام باقر(ع):

إِنَّ فَاطِمَةَ (ع) ضَمِنَتْ لِعَلِيِّ (ع) عَمَلَ الْبَيْتِ وَ الْعَجِينَ وَ الْخُبْزَ وَ قَمَّ الْبَيْتِ، وَ ضَمِنَ لَهَا عَلِيُّ (ع) مَا كَانَ خَلْفَ الْبَابِ: نَقْلَ الْحَطَبِ وَ أَنْ يَجِيءَ بِالطَّعَامِ. فَقَالَ لَهَا يَوْمًا: يَا فَاطِمَةُ! هَلْ عِنْدَكَ شَيْءٌ؟

قَالَتْ: وَ الَّذِي عَظُمَ حَقُّكَ، مَا كَانَ عِنْدَنَا مُنْذُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ شَيْءٌ نَقْرِيكَ بِهِ.

قَالَ: أَفَلَا أَخْبَرْتَنِي؟

قَالَتْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) تَهَانِي أَنْ أَسْأَلَكَ شَيْئًا فَقَالَ: لَا تَسْأَلِينَ ابْتِعَمِي شَيْئًا؛ إِنْ جَاءَكَ بِشَيْءٍ عَفُوٌّ وَإِلَّا فَلَا تَسْأَلِيهِ...؛ (۴۶)

فاطمه(ع) کار منزل و خمیر کردن و نان پختن و نظافت خانه را برای علی(ع) به عهده گرفت، و علی(ع) نیز کارهای خارج از منزل را برای او به عهده گرفت؛ کارهایی چون آوردن هیزم و خوراک. پس از آن روزی به او فرمود: ای فاطمه! آیا در خانه چیزی داری؟

فرمود: سوگند به آنکه حق تو را عظمت بخشید، از سه روز قبل چیزی نزد ما نبوده که تو را با آن پذیرایی کنیم.

فرمود: پس چرا به من خبر ندادی؟

فرمود: رسول خدا(ص) مرا باز داشته بود که از تو چیزی درخواست کنم، چرا که او فرمود: از پسرعمویت چیزی درخواست نمکنی، اگر چیزی برایت آورد که فضل و بخششی است و اگر نیاورد، از او درخواست نکن....

روشن است که تأمین مخارج زن و فرزند بر عهده مرد است، ولی چه زیباست که زن نیز به شرایط همسرش، بخوبی توجه کند، زیرا برای مردی که همسری وظیفهشناس و دلسوز به حال خانوادهاش است، القای این امر که اینها وظیفه تو است و چاره‌های جز انجام دادن آنها نداری، نوعاً ناگوار و مضر به صفا و دلگرمی میان آن دو است. زن میتواند با احساس همدردی با همسرش، بسیاری از نگرانیها و ناراحتیهای او را کاهش دهد. به روایت بعدی در این زمینه توجه کنید.

۳۷. شیخ صدوق:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَقَالَ: إِنَّ زَوْجَةَ لِي إِذَا دَخَلْتُ تَلَفَّتْنِي وَ إِذَا خَرَجْتُ شَبَعْتَنِي وَ إِذَا رَأَيْتَنِي مَهْمُومًا قَالَتْ لِي: وَ مَا يُهْمُكَ؟

إِنْ كُنْتُ تَهْتَمُّ لِرِزْقِكَ فَقَدْ تَكْفَلْ لَكَ بِهِ غَيْرُكَ وَ إِنْ كُنْتُ تَهْتَمُّ لِأَمْرِ آخِرَتِكَ فَرَاذَكَ اللَّهُ هَمًّا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِنَّ لِي عَمَالًا وَ هَذِهِ مِنْ عَمَالِهِ. لَهَا نِصْفُ آخِرِ شَهِيدٍ؛ (۴۷)

مردی به حضور رسول خدا(ص) آمد و عرض کرد: من همسری دارم که وقتی داخل منزل مشغوم به استقبال من می‌آید و آنگاه که خارج می‌گردد، مرا مشایعت میکند و هنگامی که مرا غمگین ببیند به من می‌گوید: چه چیز باعث ناراحتی تو است؟ اگر به علت خرجی و درآمد نگرانی، که خداوند تأمین آن را به عهده گرفته است، و اگر اندوهت به خاطر امر آخرت هست، خداوند این اهتتام و غمت را افزون کند.

پیامبر اکرم(ص) فرمود: برای خداوند کارگزارانی است، و این زن جزء کارگزاران او است. برای او نصف پاداش یک شهید است.

همسری که سعی در کاستن نگرانیهای شوهرش در امور مادی دارد و بالعکس، در امور معنوی و اخروی، جویای اهتمام و نگرانی بیشتر همسر خود است، بواقع عاملی از کارگزاران الهی است، ولی توقع اینکه همه زنان، از چنین روحیه‌ای در حدّ بالا برخوردار باشند موجب بروز مشکلاتی در زندگی خواهد شد و به طور کلی، توجه به ظرفیت و کنشش افراد در پذیرش حق و مسؤلیت‌پذیری، امری لازم است. روایت بعدی گرچه ممکن است برای برخی گران آید ولی گویای همین واقعیت است.

۳۸. امام صادق(ع):

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ (ع) شَكَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَلْفِي مِنْ سُوءِ خُلُقِ سَارَةَ، فَأَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَيْهِ إِنَّمَا مَثَلُ الْمَرْأَةِ مَثَلُ الصِّلَعِ الْمُعْوَجِّ، إِنَّ أَقَمَّتْهُ كَسْرَتَهُ وَ أَنْ تَرَكَتَهُ اسْتَمْتَعَتْ بِهِ؛ إِصْبِرْ عَلَيْهَا؛ (۴۸)

حضرت ابراهیم(ع) از بداخلاقی همسرش ساره به خداوند عز و جل شکوه برد. خداوند تعالی به او وحی کرد که مثال زن، مثال استخوان کج دنده است که اگر آن را راست کنی شکاندهای؛ ولی اگر آن را رها کنی از آن استفاده مکنی. از اینرو نسبت به او صبر پیشه کن.

مرحوم شیخ صدوق نزدیک به همین مضمون را آورده است با این اضافه:

قُلْتُ: مَنْ قَالَ هَذَا؟

فَعَضِبَ. ثُمَّ قَالَ: هَذَا وَاللَّهِ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ (۴۹)

شخص راوی میگوید: عرض کردم: چه کسی این را گفته؟! حضرت(ع) از این گفته ناراحت شد. سپس فرمود: «به خدا سوگند این گفته رسول خدا(ص) است!»

مفاد این روایت که در برخی روایات مشابه نیز آمده است نکته راهگشا و بااهمیتی را در زندگی زناشویی یادآور میشود و آن اینکه مرد نباید همواره تلاش کند که همسرش نیز در همه امور مانند او باشد. هر کدام شرایط و علایق و عادات خاص خود را دارند. توقع اینکه زن، عیناً همان را بخواهد که شوهر میخواهد و همان طور باشد که همسرش میپسندد، توقعی بیجا و مایه زحمت و دردسر است. نباید در همه جزئیات زندگی و رفتار و اخلاق زن دخالت کرد. در بسیاری از موارد باید او را به حال خود گذاشت و از دخالت بیجا در امور مربوط به زن پرهیز کرد. بنابراین تشبیه به «دنده کج» به معنای کاستن از کرامت انسانی زن نیست، چرا که استخوان دنده چنان که در خود روایت نیز اشاره شده باید به همین شکل باشد، بلکه به این منظور است که باید واقعیت و ظرفیت او را در نظر گرفت و بیش از کنشش و توان او توقع نداشت.

روایاتی که در تفسیر آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْأَجْرَارُ» (۵۰) وارد شده تأکیدی است بر موضوع فوق، از جمله حدیث بعدی.

۳۹. شیخ صدوق:

سُئِلَ الصَّادِقُ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» كَيْفَ نَقِيهِنَّ؟ قَالَ: تَأْمُرُوهُنَّ وَ تَنْهَوْنَهُنَّ.

قِيلَ لَهُ: إِنَّا نَأْمُرُهُنَّ وَ نَنْهَاهُنَّ فَلَا يَقْبَلْنَ.

قَالَ: إِذَا أَمَرْتُمُوهُنَّ وَ نَهَيْتُمُوهُنَّ فَقَدْ قَضَيْتُمْ مَا عَلَيْكُمْ؛ (۵۱)

از امام صادق(ع) در باره این فرمایش خدای عز و جل «خودتان و بستگانتان را از آتشی که آتشگیره آن، بدنهای مردم و سنگهاست نگه دارید» سؤال شد که چگونه آنها را از آتش نگه داریم؟

فرمود: آنان را امر و نهی کنید.

به حضرت گفته شد: ما آنها را امر و نهی میکنیم ولی نمیبندند.

فرمود: هنگامی که شما آنها را امر و نهی کردید وظیفهای را که بر عهدهتان است انجام داده‌اید.

در پایان این بخش، به حدیثی در زمینه صبر و تحمل زن و شوهر، نسبت به یکدیگر توجه میکنیم؛ بدان امید که این مجموعه بتواند گامی در جهت تحکیم پیوندهای مشترک میان آن دو باشد.

۴۰. پیامبر اکرم(ص):

مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أَعْطَاهُ دَاوُدُ (ع) عَلَى بَلَائِهِ، وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُرَاجِمٍ؛ (۵۲)

مردی که بر بداخلاقی زنش صبر و بردباری کند، خداوند پاداشی را که به داود(ع) به خاطر تحمل بلا و سختی عطا کرد به او میدهد، و زنی که بر بداخلاقی شوهرش شکیبایی به خرج دهد، خداوند همانند پاداش آسیه دختر مزاحم را (که یکی از چهار زن مشهور و بزرگ جهان توحید است) به او خواهد داد.

قم - پاییز ۱۳۶۸

منابع:

1. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۵.
2. همان، ص ۳۹۲.
3. سوره نور(۲۴)، آیه ۳۲.
4. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.
5. از جمله: من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۴ به بعد و مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۴ - ۱۵۶.



6. من لايحضره الفقيه، ج ٣، ص ٤٤٢. و نیز: وافى، ج ٢٢، ص ٧٨٩.
7. مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٥٠.
8. همان،
9. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٥٥٦.
10. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٥٥٥، و وسائلالشيعة، ج ١٤، ص ١٢٢ «قال رسول الله(ص): عياك الرجل أسراؤه و أحب العباد الى الله عز و جل أحسنهم صنعا إلى أسرائه. تنبيه الخواطر، ج ٢، ص ١٢٢.
11. ان الرجل ليؤجر في رفع اللقمة الى في امرأته. المحجة البيضاء، ج ٣، ص ٧٠.
12. بحارالانوار، ج ١٠٤، ص ١٢٢.
13. وسائل الشيعة، ج ١٥، ص ٢٢٧.
14. همان، ج ١٤، ص ١٠.
15. همان، ص ١١٨.
16. أمالى مفيد، ص ٩٤، ج ٣، و نیز: مستدرک الوسائل، ج ١٤، ص ٢٢٩، «عروة بنعبدالله بنيشير الجعفي، قال: دخلت على فاطمة بنت على بنأبالب(ع)، و هى عجوّ كبيرة و فى خزّ، و فى يدها مسكتان، فقالت: يُكره للنساء أن يتشبهن بالرجال...».
17. كافي، ج ٥، ص ٥٦٧، و نیز، وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ١٨٢.
18. اين احتمال نیز مى رود كه منظور، حضرت امام كاظم(ع) باشد.
19. بحارالانوار، ج ١٠٢، ص ٢٤٥.
20. وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ١٣٠. و كافي، ج ٥، ص ٥١٧ با حذف كلمه «فَيَجِيئُهَا».
21. سورة تحريم(٦٦)، آيه ٦. در باره اين آيه رجوع كن به حديث ٣٩، از همين بخش.
22. وسائلالشيعة، ج ١٤، ص ١٣١، «كُلُّ امرءٍ تُدِيرُهُ امرأَةً فَهُوَ مَلْعُونٌ».
23. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٤٢.
24. وسائلالشيعة، ج ١٤، ص ٢٢.
25. همان، ص ١٢١.
26. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٤٠.
27. كافي، ج ٥، ص ٣٢٥.
28. بحارالانوار، ج ١٠٢، ص ٢٤٤.
29. همان، ص ٢٣٩.
30. همان، ج ١٠٢، ص ٢٥٢.
31. الميزان فى تفسير القرآن، ج ٤، ص ٣٥٠، و نیز: الدر المنثور، ج ٢، ص ١٥٣.
32. نك: الميزان، ج ٤، ص ٣٥١، ذيل تفسير آيه ٣٢ - ٣٥ سورة نساء.
33. بحارالانوار، ج ١٠٢، ص ٢٣٩.
34. همان، ص ٢٢٦.
35. وسائلالشيعة، ج ١٤، ص ١٢٤.
36. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٤٢، و نیز: وسائل الشيعة، ج ٤، ص ١٢٢.
37. سورة نساء (٤)، آيه ٣٤.
38. بحارالانوار، ج ٤٣، ص ٨١.
39. نهجالبلاغه، نامه ٣١، ص ٤٠٥.
40. وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ١٢٢.
41. همان، ص ١٥.
42. همان، ص ١٢٢.
43. بحارالانوار، ج ١٠٢، ص ٢٥١.
44. همان، ص ٢٤٤.
45. تفسير عياشى، ج ١، ص ١٧١. كلمه «لاتسألين» را متوان به صورت «لاتسألين» خواند كه تأكيد در نهى است. آنچه در متن آمد به صورت مضارع منفى ميباشد.
46. وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ١٧.
47. كافي، ج ٥، ص ٥١٣.
48. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٤٠.
49. سورة تحريم(٦٦)، آيه ٦.
50. من لا يحضره الفقيه، ج ٢، ص ٤٤٢، ضمناً مرحوم كلينى سه روايت ديگر در همين زمينه آورده است. نك: كافي، ج ٥، ص ١٢.
51. بحارالانوار، ج ١٠٢، ص ٢٤٧.
- 52.